

نابودی اسناد

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در بایگانی سازمان سیا

نگهداری و حفظ اسناد تاریخی، موضوعی است دارای پیشینه دیرینه که به مرور زمان به لحاظ شکل و کیفیت، تکامل یافته به نحوی که مراکز اسناد، که در گذشته حالتی فراگیر و منسجم نداشته‌اند، اکنون به عنوان سازمانهایی جفافتاده و پذیرفته شده در اکثر کشورهای جهان وجود دارند و فعالیت می‌کنند. در این میان، کشورهای غربی دارای مراکز عظیم و عریض و طویل اسنادی هستند که تحت شرایطی خاص و یک برنامه زمان‌بندی شده به محققان و پژوهشگران خدماتی را از قبیل رؤیت اسناد و چاپ مجموعه اسناد و ... ارائه می‌دهند.

در کشورهایی نظیر انگلستان و آمریکا که بیشترین مداخلات را در کشورهای دیگر داشته‌اند اسناد رسمی تحت شرایط خاص و طی یک برنامه زمان‌بندی شده، که البته همیشه به‌طور دقیق رعایت نمی‌شود، با گذشتن از صافی سانسور - و احیاناً مخدوش شدن - در اختیار محققان قرار می‌گیرد. در انگلستان بخشی از اسناد وزارت خارجه با شرایطی که ذکر شد در اختیار محققان قرار داده می‌شود، اما اسناد وزارت مستعمرات، وزارت امور هندوستان، و دستگاهها جاسوسی هنوز در اختیار پژوهندگان گذاشته نشده‌اند. از دهه ۱۳۶۰ به این سو، و در پی پایان یافتن جنگ سرد گرایشهایی نسبت به انتشار اسناد مراکز اطلاعاتی در انگلستان و آمریکا ایجاد شد که هنوز در مراحل ابتدایی است. رویکرد تاریخدانان برای دستیابی به اسناد مراکز اطلاعاتی و بی‌میلی عوامل اطلاعاتی از انتشار اسناد منجر به نشر اخبار ضد و نقیض در این زمینه شده است که از آن جمله می‌توان به موضوع انتشار اسناد مربوط به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به وسیله سازمان سیا و اخبار منتشر شده مربوط به آن اشاره کرد. در سال ۱۳۷۲ از سوی جیمز وولسی، رئیس اسبق سیا وعده داده شده بود که اسناد مربوط به عملیات مخفی امریکا در کشورهای جهان پس از جنگ جهانی دوم من جمله اسناد مربوط به کودتای ۲۸ مرداد

۱۳۳۲ طی سال ۱۳۷۳ انتشار خواهد یافت.^۱ مطالعه این اسناد به شخصی به نام پریا که از سال ۱۳۴۱ به عنوان جاسوس امریکا فعالیت می‌کرده واگذار شد. این شخص به کمک یک گروه کارشناس ویژه کار خود را آغاز کرد و مدتی بعد ضمن ارائه گزارشی از کارهای انجام شده بر روی اسناد مربوط به مداخلات آمریکا در گواتمالا و کوبا، اظهار داشت که بررسی اسناد مربوط به ایران مدت بیشتری طول خواهد کشید. جان دویچ رئیس جدید سیا که از طرفداران انتشار اسناد است، برای تسریع انتشار اسناد، بودجه یک میلیارد دلاری این امر را به دو میلیارد افزایش داده و از تاریخدانان خارج از سیا نیز برای کنار گذاشتن اسناد کمک گرفته می‌شود.^۲ به‌رغم این وعده‌ها، اخیراً پس از گذشت سه سال، براساس گزارش رادیو بی.بی.سی به نقل از روزنامه آمریکایی هرالد تریبون اعلام شده که اسناد مربوط به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تماماً از بین رفته است. به گفته بی.بی.سی قرار بود که سازمان سیا پنج سال پیش یعنی در ۱۳۷۱ این اسناد را منتشر کند. هرالد تریبون در این زمینه می‌نویسد:

در سال ۱۹۹۲ رابرت گیتس، رئیس وقت سازمان سیای آمریکا و یک سال بعد جانشین او جیمز وولسی، علناً متعهد شدند که به عنوان بخشی از «سیاست فاشگویی و پرهیز از پنهانکاری»^۳ مدارک و اسناد سازمان سیا درباره ایران را انتشار دهند. ولی آنها از این موضوع اطلاع نداشتند که تقریباً تمام مدارک در اوایل دهه ۱۹۶۰ از بین برده شده و تقریباً سندی برای انتشار وجود ندارد.

جیمز وولسی در پی اعلام این خبر گفت:

وی در طول ۱۹۹۳ مطمئن بود که سیا تمام مدارک تاریخی و هر سندی را که اهمیت تاریخی داشته حفظ کرده و فکر نمی‌کرده است که این اسناد مهم از بین برده شده‌اند.

... نیکلاتر، یک مورخ آمریکایی که در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ عضو سیا بوده، در مصاحبه‌ای گفته است که من معتقدم که علاوه بر مدارک مربوط به فعالیتهای سازمان سیا در ایران سابقه سایر عملیات مخفی آمریکا در دوره جنگ سرد و از جمله کودتای موفقی که با برنامه‌ریزی آمریکا در اوایل دهه ۱۹۶۰ در گویان اتفاق افتاد نیز از بین برده شده

۱. روزنامه ایران، سه‌شنبه ۷۵/۱/۲۸، ص ۱۰، به نقل از نیورکد تایمز.

۲. همان جا.

۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۷۶/۳/۱۰. این سیاست کاملاً جهت‌دار است، و سردمداران دنیای استکباری در پی این هستند که با انتشار اسناد خاصی از قبل به اذهان جهت دهند و ذهن پژوهشگران را به بررسی جنبه‌هایی خاص معطوف و محدود کنند.

است. به عقیده این مقام سیا اسناد مربوط به ایران در اوایل دهه ۶۰ نابود شده‌اند. برایان هتال، یک مقام دیگر سازمان سیا می‌گوید: مقامات سیا به کسی که پرونده‌های مربوط به ایران را نگهداری می‌کرد گفته بودند که قفسه پرونده‌های مربوط به ایران پیر شده است و باید آن را خالی کرد، ولی روشن نیست که رؤسای وقت این سازمان از چنین دستوری اطلاع داشته‌اند یا نه. نیکلاتر در حال حاضر به تدریس تاریخ در دانشگاه مشغول است و در سال ۱۳۷۱ که به سازمان سیا آمد، به او مأموریت داده شد درباره کودتای طرح‌ریزی شده آمریکا در گویان یک مطلب تحلیلی تهیه کند. رابرت گیتس، رئیس وقت سیا در همان موقع قول داده بود که پرونده‌های مربوط به ایران، گویان و حمله آمریکا به کوبا، موسوم به خلیج خوکها، در سال ۱۳۴۰ را انتشار دهد. ولی نیکلاتر می‌گوید که بزودی متوجه شد که هیچ سندی در مورد عملیات آمریکا در ایران وجود ندارد. مدیر اطلاعات سازمان سیای آمریکا در مصاحبه‌ای می‌گوید:

تدابیر جدی که اکنون در سازمان سیا به اجرا درآمده ضامن این است که یک سند تاریخی بدون شور و مشورت و نظرخواهی از بین برده نخواهد شد ... نیکلاتر با این موضوع موافق است که از بین بردن اسناد به دلیل هیچ توطئه بزرگی نبوده و آنچه اتفاق افتاد، به دلیل سهل‌انگاری و غفلت در فرهنگ از بین بردن مدارک در سازمان سیا بوده که انگیزه آن سیاست پنهانکاری این سازمان بوده است.^۴

خبر فوق آخرین خبر از وضعیت اسناد مربوط به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که از جهات مختلفی قابل تأمل و تعمق است:

۱. صحت اصل خبر به دلایل متعددی که از متن خبر برمی‌آید مورد تردید است؛ چطور ممکن است اسناد یکی از موفق‌ترین عملیتهای سازمان سیا در جهان که موجبات گسترش نفوذ آمریکا در یکی از نقاط مهم خاورمیانه را برای سالهای زیاد در پی داشته به همین سادگی و به دلایل ساده‌لوحانه «پرشدن قفسه» و یا «سهل‌انگاری و غفلت در فرهنگ از بین بردن مدارک» از بین برده شود! و رؤسای سیا از این موضوع نه تنها اطلاع نداشته باشند بلکه بر انتشار این اسناد نیز تأکید داشته باشند. براساس همین اخبار رابرت گیتس، جیمز وولسی و جان دویچ رؤسای سازمان سیا قول داده بودند که اسناد مربوط به ایران را در آینده نزدیک منتشر کنند. آیا آنان و کسانی که خواهان دست یافتن به اطلاعات اسناد بودند از نابودی آنها بی‌اطلاع بوده‌اند؟ براساس همین اخبار، اسناد در اوایل دهه ۱۳۴۰ از بین رفته، و در جای دیگر گفته شده که پریا، همراه با یک گروه کارشناس ویژه، در حال بررسی این اسناد است و اظهار داشته که ۶۰ هزار صفحه از

۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۷۶/۳/۱۰.

پرونده خلیج خوکها و ۲۰ هزار صفحه از پرونده گواتمالا مورد مطالعه قرار گرفته و سانسور شده است و احتمالاً طی سال جاری انتشار خواهد یافت. به گفته وی بررسی پرونده‌های مربوط به ایران مدت بیشتری طول خواهد کشید.^۵ گفتنی است که روند انتشار اسناد اطلاعاتی در آمریکا از ۱۳۷۰ صورتی جدی به خود گرفته و پریا از همین تاریخ مأمور بررسی و گزینش اسناد قابل انتشار سازمان سیا جهت چاپ آنها شده است. به عبارت دیگر پریا در اوایل دهه ۹۰ وعده چاپ اسنادی را می‌دهد که در اوایل دهه ۶۰ نابود شده است!

آیا اظهارات پریا که از سال ۱۳۴۱ «تحلیلگر اسناد محرمانه» است درخصوص اسناد مربوط به ایران بدون دیدن این اسناد عنوان شده؟ به نظر می‌رسد که اعلام این خبر فقط برای منحرف کردن اذهان طالبان انتشار اسناد اطلاعاتی فوق صورت گرفته باشد و بدین ترتیب مسؤولان سیا مدتها خود را از فشار این افراد خلاص نموده‌اند. انتشار این اخبار ضد و نقیض همچنین بیان‌کننده اهمیت فوق‌العاده این اسناد و عمق مداخلات آمریکا در ایران و سایر نقاط جهان است که پس از گذشت چهل و پنج سال از آن وقایع هنوز قابلیت انتشار آنها حتی به صورت جهت‌دار نیز وجود ندارد.

۲. در صورت صحت این خبر اظهاراتی نظیر «پر شدن قفسه‌های مربوط به ایران» و یا «سهل‌انگاری و غفلت در فرهنگ از بین بردن مدارک»، توجیهاتی ساده‌لوحانه است. این عمل مبین اهمیت بسیار زیاد اسناد مزبور است که حتی پس از سانسور نیز قابلیت انتشار نمی‌یابند. نشر این اسناد مسلماً می‌توانست ابهامات فراوان مربوط به این واقعه از قبیل نقش بازیگران خارجی و ایرانی اعم از افراد و جریان‌ات سیاسی را برطرف کند. از سوی دیگر، عمق مداخلات آمریکا را در ایران در جهت تثبیت سلسله پهلوی و تداوم غارت منابع و ذخایر ملی آشکار سازد. صحت و عدم صحت این اخبار در بردارنده تذکری مفید برای تاریخنگاری معاصر ایران است و آن عبارت است از توجه به زوایای پنهان وقایع که از طریق اسناد رسمی نمی‌توان به آنها دست یافت.

موسی فقیه حقانی